

تک برگی راه کارگر

روزنامه سیاسی کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سردبیر: آرش کمانگر شماره 181 یکشنبه 16 آذر 1382 --- 7 دسامبر 2003

پنج سال گذشت اما پرونده دادخواهی همچنان باز است!

محمد مختاری و محمد جعفر پوینده، دو نویسنده، دو عضو کانون نویسندگان ایران، دو منتقد اجتماعی و مبارز آزادیخواه، بدست آدمخواران حکومت اسلامی افتاده و در خفا جان باختند. پنج سال از کشتن این دو مبارز و اندیشمند چپ ایران میگذرد. پنج سال از جنایت هولناک پانیز 77 می گذرد که آدمکشان ولایت، بدستور عالی جنابان "خاکستری پوش و سرخ پوش"، محمد مختاری و محمد جعفر پوینده، پروانه اسکندری و داریوش فروهر، حمید حاجی زاده و فرزندان خردسالش کارون، احمد تقضلی و ابراهیم زال زاده، غفار حسینی، مجید شریف و بسیاری دیگر از دگر اندیشان و مخالفان حکومت اسلامی را در خیابان و کوچه و خانه های تیمی و زندانهای سری، پس از شکنجه های وحشتناک کشتند. آنگه برای مخفی نگه داشتن این جنایات و مسببین و عاملین و آمرین این جنایات، روشنایی افکنان به تارک خانه اشباح، وکلای مدافع خانواده های قربانیان این قتلها را به زندان انداختند و با سازمان دادن دستگاه سرکوب و سانسور و اختناق و تقش عقاید، دهها روزنامه و نشریه و هفته نامه را توقیف و محبوس، و تا توانستند زبان بریدند و قلم شکستند تا حقیقت این جنایات آشکار نشود.

اما علیرغم همه این اقدامات، مردم ایران و جهان میدانند که آمرین و عاملین این جنایات و فتوادهندگان این جنایات چه کسانی هستند. همه میدانند که این جنایات همه از دستگاه رهبری و قضایی حکومت اسلامی رهبری می شود. آنان که اینگونه آشکارا از منابر و مساجد و صدا و سیما و رسانه هایشان فتوای مرگ و قصاص و شکنجه و سانسور صادر می کنند و آشکارا قربانیان حکومت اسلامی را در ملاء عام بدار می افکنند؛ روشن است که در خفا و زندانهای علنی و مخفی حکومتی با مخالفان اسلامی چه می کنند. برگزاری یادمان جان باختگان راه آزادی و برابری، محمد مختاری و محمد جعفر پوینده، برای مردم ایران فرصتی است که بار دیگر دادخواست خانواده های قربانیان قتلهای سیاسی را تکرار کنند. دادخواستی برای محاکمه علنی و آمرین این جنایات در تمام سالهای حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی بر مردم ایران. ما در همه جا، در ایران و در سراسر کشورها، با اعلام این دادخواهی، یاد جانباختگان راه آزادی را گرمی میداریم و همه آزادیخواهان و بشر دوستان را به پشتیبانی از این دادخواهی فرا می خوانیم.

ده دسامبر، فرصت دیگری برای دادخواهی مردم ایران!

25 سال است که ماشین جنایت و آدم کشی حکومت اسلامی در ایران در کار است. 25 سال است که شب و روز در خیابان ها و مجامع عمومی مشغول حلق آویز کردن مردم ایرانند. 25 سال است که دست و پا می برند و چشم در می آورند و حکومتی قرون وسطایی رسماً مدافع شکنجه و مجازاتهای وحشیانه قصاص است. 25 سال است که کمونیست ها، بهائیان، کردها، ترکمنها، عربها و فعالین دانشجویی و کارگری و نیروهای مخالف و دگر اندیش را به زندان می افکنند و می کشتند. بقیه در ص 2



خشونت علیه زنان

آزاده ارفع

در صفحه سه

وقتی اصلاح طلبان، خود مخالف اصلاحات می شوند!

تقی روزبه

گرچه ظاهراً جبهه مشارکت اعلام داشته است که تصمیم نهایی در مورد انتخابات دوره هفتم مجلس شورای اسلامی را در یک کنگره فوق العاده خواهد گرفت. اما کیست که نداند این صرفاً یک ژست تشریفاتی بوده و جبهه مشارکت از مدت ها قبل ستاد انتخاباتی خود را تشکیل داده و تمام تلاش خود را برای حضور فعال در این انتخابات و اقتاع و آماده سازی نیروهای خود در صفحه 4

جنایت رژیم در سراوان بلوچستان! در صفحه 2

اخبار آکسیونها و فعاليتها به مناسبت روز جهانی حقوق بشر، سالگرد قتلهای زنجیره ای و روز دانشجو در خارج از ایران! در صفحه 8

حرکت اعتراضی کارگران کارخانه نختاب تبریز! در ص 7

مبارزه کارگران و کارکنان

پتروشیمی همچنان ادامه دارد!

در صفحه 6

علی دماوندی

ادامه از صفحه یک

ده دسامبر ، فرصت دیگری

حکومت نظامی در سراوان !

گزارشات انتشار یافته از سراوان حاکیست که بدنبال اعتراض وسیع مردم این شهر علیه نیروهای انتظامی رژیم، حداقل 15 نفر از مردم بیدفاع این شهر کشته و تعداد زیادی از مردم زخمی و مجروح شده اند. بدنبال این کشتار بیرحمانه، سپاه پاسداران و ارتش و نیروهای انتظامی در شهر مستقر شده و حکومت نظامی عملاً برقرار شده است.

شورش مردم سراوان از آنجا آغاز شد که مأموران انتظامی در یکی از خیابانهای این شهر به یک جوان موتور سوار ایست می دهند؛ جوان موتور سوار که فاقد گواهینامه موتور سوار بوده، از ترس مأموران، به این فرمان بی توجهی می کند و به راه خود ادامه میدهد. مأموران انتظامی رژیم نیز بامسلسل خود کار وی را به رگبار می بندند. جوان موتور سوار از این مهلکه جان سالم به در می برد؛ اما دو نفر از مردم، مورد اصابت گلوله ها قرار می گیرند و جان می سپارند. مأموران انتظامی رژیم ، نیز با بی اعتنائی و بی توجهی نسبت به عابرین جان باخته، سوار وسیله نقلیه خود می شوند و به تعقیب جوان موتور سوار می پردازند.

بعد از مدت کوتاهی تعقیب ، مأموران موفق می شوند که با استفاده از وسیله نقلیه خود، موتور سوار جوان را دستگیر کنند؛ آنان در پی گرفتن موتور سوار، با سلاحهای خود به جان او افتاده و با ضرب و شتم بیرحمانه ای ، جوان بلوچ را به قتل می رسانند. مردمی که شاهد این بیرحمی و جنایت مأموران حکومت اسلامی می شوند، شروع به اعتراض به مأموران حکومتی می کنند و بدین ترتیب درگیری بین مأموران سرکوب و مردم خشمگین از جنایت آغاز می شود.

در این درگیریها، بسیاری از مراکز اداری و انتظامی و قضایی رژیم مورد حمله مردم قرار می گیرد و شهر سراسر اعتراض و فریاد علیه حکومت جانپان و جنایتکاران می شود. دادگاه، فرمانداری، شهرداری و دیگر ادارات دولتی از حمله در امان نمی مانند و خسارات زیادی به آنها وارد می شود. گفته می شود که گروهی از مردم در حوالی بیمارستان مورد حمله نیروهای سرکوب قرار می گیرند و درگیری ساعتها در این شهر ادامه می یابد.

گزارشات انتشار یافته توسط سایت بلوچ 2000 حاکیست که در این درگیریهای گسترده حداقل 15 نفر بلوچ جان باخته و دهها تن دیگر مجروح شده اند. حال هفت نفر از مجروحین بسیار وخیم اعلام شده است. این گزارشات اضافه می کند که دو نفر از مأموران انتظامی رژیم نیز در این درگیریها کشته شده اند. از حوالی عصر دیروز، با وارد شدن واحدهای جدید سپاه پاسداران و ارتش به شهر، کنترل شهر سراوان بدست نیروهای نظامی افتاده است و در شهر عملاً حکومت نظامی اعلام شده است.

سازمان کارگران انقلابی ایران- راه کارگر کشتار مردم بیدفاع سراوان را بشدت محکوم می کند و از همه محافل بین المللی دفاع از حقوق بشر و سازمانهای مترقی و پیشرو انتظار دارد که تمام تلاش خود را برای محکومیت رژیم اسلامی و برای رساندن صدای حق طلبانه خلقهای ساکن ایران، برای حق تعیین سرنوشت خود و پایان دادن به سلطه جابرانه اقلیتی نژاد پرست و جنایتکار بر کشور ما به انجام رسانند.

25 سال است که رسماً علیه اقلیتهای مذهبی، بهائیان، مسیحیان، یهودیان، زرتشتیان و مسلمانان سنی تبعیض های قانونی روا می دارند. 25 سال است که برابری حقوقی زنان و مردان را نفی می کنند. 25 سال است نمایندگان خدا بر دهها میلیون ایرانی حکم میرانند و آنانرا از تمام حقوق اساسی دمکرانیکشان محروم کرده اند.

در این شرایط است که مردم ایران به استقبال ده دسامبر ، روز جهانی حقوق بشر می روند. روزی که مردم جهان با نگاهی انسانی به حقوق و جایگاه و موقعیت انسان در کشورهای مختلف نگاه می کند. روزی که حقوق دمکرانیک هر فرد برای زیستن ، انتخاب کردن و انتخاب شدن محترم شمرده می شود. روزی که مردم جهان، حکومت ها را از زاویه انسان و حقوق انسانی آن به قضاوت می نشینند و حکومت ها را از جایگاه خدایی و شاهی به زیر می کشند، تا حقوق جهانشمول انسان را رسمیت بخشند. روزی که منافع انسان، نه از زاویه منافع دیپلماتیک و اقتصادی، بلکه از زاویه حقوق جهانشمول بشری قابل اندازه گیری است.

ده دسامبر فرصتی است دوباره برای دادخواهی مردم ایران. دادخواهی قتل عامهای 25 ساله در کردستان، ترکمن صحرا، خوزستان و ... ، کشتار زندانیان در سال 60 تا 67، قتلهای زنجیره ای، توقیف روزنامه ها و نشریات و مجلات، اخراج صدها هزار کارگر و معلم و کارمند دگراندیش از محیطهای کار و محروم کردن آنان از حق کار، بستن دانشگاهها و تصفیه هزاران دانشجو تحت عنوان انقلاب فرهنگی، تبعیض رسمی علیه زنان و اقلیتهای مذهبی و ملی، تحمیل مذهب حکومتی بر دهها میلیون مردم ایران و اجبار به پوشیدن حجاب اسلامی و تحمیل ستم جنسی بر زنان و

به این لیست دادخواهی بسیار می توان افزود تا جهان شاهد آن باشد که چه بر مردم ایران گذشته و می گذرد.

سازمان ما ، بار دیگر دادخواهی خود و مردم ایران را از مردم جهان و سازمانهای بین المللی طرفدار حقوق انسانی تکرار می کند و مصمم است که در کنار مردم ایران، برای سرنگون کردن حکومت ضد بشری جمهوری اسلامی اقدام کند و بر این باور است که تا این رژیم ارتجاعی به حیاتش ادامه میدهد، ماشین جنایت و آدم کشی، تبعیض و تحقیر، قصاص و کشتار و شکنجه در ایران ادامه خواهد داشت.

راه وسطی در این میان وجود ندارد: تاریخ 25 ساله این حکومت، این حقیقت را مانند آفتاب آشکار کرده است.

سازمان کارگران انقلابی ایران- راه کارگر

اسلامی را در پس نمایشاتی که صرفاً مصرف تبلیغی دارند مخفی سازند. در این رابطه

فرمانداری تهران به اصطلاح مراسم روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان را برگزار نمود. خاتم زهرا نژاد بهرام مشاور فرماندار تهران در امور زنان در روزنامه یاس نو اعلام کرد که: "امسال برای نخستین بار این روز جهانی در ایران گرامی داشته می‌شود." وی در ادامه می‌گوید: "شهرداری منطقه 7 تهران در این روز در تمام فرهنگسراها و سینماهای این منطقه يك سانس فیلم با عنوان "خشونت علیه زنان" نمایش می‌دهد." وی ادامه می‌دهد: "یکی از برنامه های روز جهانی نفی خشونت علیه زنان که 4 آذر ماه است پیامی است که برای تمامی موبایلها فرستاده می‌شود که این پیام نفی هر گونه خشونت علیه زنان است و...". لازم به توضیح است که سازمانهای غیر دولتی زنان پیشنهاد برگزاری این مراسم را داده بودند ولی آنها به درستی، دولتی شدن این مراسم را مورد اعتراض قرار داده و همکاری خود را با این نمایشات قطع کردند. گروهی از سازمانهای غیر دولتی نیز تلاش کردند تا سمیناری در دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی بهشتی در روز 11 آذر، در رابطه با مبارزه با خشونت علیه زنان برگزار نمایند. اما دو روز مانده به برگزاری مراسم، از طرف شورای نظارت بر تشکل های دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی که خود مجوز این مراسم را داده بود، سمینار مربوطه بدون آوردن دلیل مشخصی ملغی اعلام شد.

رژیم جمهوری اسلامی از هر حرکتی که نشانه ای از روشنگری و آگاهی باشد به شدت هراسناک بوده و تلاش می‌کند تا آن را در نطفه خفه سازد. بهم زدن مراسم مستقل زنان علیه خشونت و تلاش در دولتی کردن آن همین واقعیت را بازتاب می‌دهد. جنبش زنان در داخل کشور در طرح روز جهانی علیه خشونت علیه زنان و مخالفت با دولتی کردن این مراسم توسط رژیمی که موجودیتش بر پایه آپارتاید جنسی قرار دارد موفق بوده است. شکی نیست که ما در مسیری قرار داریم که پس از این ابتکار دیر یا زود تشکل های مستقل زنان روز جهانی علیه خشونت و یا روز جهانی زنان را خود راساً و بدون نیاز به کسب مجوز برگزار کنند. خشونت علیه زنان مانع جدی در برابر رشد و تعالی و پیشرفت زنان جامعه ما بوده و مبارزه با آن یکی از وظایف اولیه هر زن و مرد آگاه به حقوق زن و مسائل اجتماعی می‌باشد.

باید به ابتکار تشکل های زنان در داخل کشور برای طرح این روز پراهمیت در مبارزه علیه یکی از پایه های بنیادی ستم جنسی و نیز هوشیاری برای عدم سوءاستفاده رژیم اسلامی از این مراسم را تبریک گفته و برای جنبش زنان در کشورمان آرزوی موفقیت های بیشتر نمود.



خشونت علیه زنان

آزاده ارفع

برای اولین بار در تاریخ 1981 در نخستین نشست فمینیستهای آمریکای لاتین و جزایر کارائیب که در بوگوتا، پایتخت کلمبیا، برگزار شد روز 25 نوامبر را روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان اعلام کردند. این روز یادآور مبارزات سه خواهر مبارز جمهوری دومینیک بود که علیه دیکتاتوری ترنیلو سرسختانه مبارزه کرده و بالاخره در سال 1960 بدست دژخیمان رژیم جان خود را از دست دادند. این سه خواهر به خاطر مبارزات و مقاومتشان به "پروانه های فراموش نشدنی" ملقب گشته و همیشه بعنوان سمبل مبارزه برای کسب آزادی، الگوی زنان مبارز آمریکای لاتین بوده اند. دهسال بعد، در سال 1991 فعالین حقوق زن، روز 25 نوامبر را بعنوان روز مبارزه با خشونت علیه زنان انتخاب نمودند. سازمان ملل متحد نیز بعد از پیشنهاد نمایندگان جمهوری دومینیک در 17 دسامبر سال 1999 در قطعنامه 54/134 خود این روز را به نام روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان نامگذاری نمود.

در چند سال گذشته که دیگر خشونت علیه زنان امری خصوصی تلقی نشده و تاثیرات مخرب آن به عریانی در جامعه چهره گشوده است، تلاشهای بین المللی گسترده ای برای پاسخ به این معضل بزرگ اجتماعی انجام می‌شود. کنوانسیون حذف همه اشکال تبعیض علیه زنان یکی از گامهایی است که برای بهبودی وضعیت زنان در جهان برداشته شده است. اما متأسفانه بعد از سپری شدن حدود 30 سال از تدوین این کنوانسیون از 56 کشور "اسلامی" 48 کشور قطعنامه این کنوانسیون را نپذیرفته و نه فقط عملاً بلکه رسماً در جبهه حمایت از اعمال خشونت علیه زنان قرار دارند. حکومت جمهوری اسلامی نیز یکی از کشورهایی است که از پذیرش این قطعنامه سرباز زده و آن را مغایر با شرع اسلام اعلام کرده است. اخیراً خاتم شهین دخت مولاوردی مدیر دفتر امور بین الملل مرکز امور مشارکت زنان در گفت و گویی با خبرنگار ایلنا اظهار داشت: "در بحثی که با یکی از اعضای شورای فرهنگی زنان جامعه الزهرا در قم داشتیم به این نتیجه رسیدیم که امیدی برای الحاق به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان نیست." آگاهی نسبی زنان به حقوق از دست رفته خود، آشکار شدن تاثیرات مخربی که حاصل سیاستها و قوانین شدیداً ضد زن حکومت اسلامی است، گسترش بی سابقه و بی‌رحمانه خشونت علیه زنان در جامعه ایران و بالاخره فشارهای بین المللی، حتی رژیم مستبدی مانند جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی ساخته است. آنها نیز به ناچار "روز مبارزه با خشونت علیه زنان" را پذیرفته و تلاش می‌کنند با برگزاری يك سلسله نمایشات چهره آپارتاید جنسی جمهوری

ادامه از صفحه یک

تقی روزبه

وقتی اصلاح طلبان ، خود مخالف اصلاحات میشوند !

در میان عوامل فوق بویژه تلاش آن ها برای یافتن و سرهم بندی کردن دلایلی برای توجیه ضرورت شرکت در انتخابات برآستی مضحکه آمیز بوده و میان تهی بودن منطق آن ها را به تماشای می گذارد. و این البته قبل از هر چیز نشان دهنده آنست که تغذیه از بند ناف استبداد و ارتجاع، تاجه حد می تواند فضایل انسانی را سترون ساخته و آن ها را به موجوداتی سفسطه گر، توجیه کننده صرف، کوتاه بین، حقیر و احمق مبدل کند. توجیهات و سفسطه هایی که هرچه بیشتر بکار گرفته شوند، بیشتر معلوم می شود که هدفی جز تداوم بهره گیری از رانت قدرت، حفظ موقعیت و امتیازات کنونی و یافتن جانی برای آویزان کردن شب کلاه فاخر خود ندارد.

یاوه پراکنی ها

بهباد نبوی که مجبور می شود برای ایراد یک سخنرانی مذهبی- سیاسی در قم با استتار در میان چند ماشین پراید ورود و خروج خود را مخفی سازد، می گوید اگر در این چندماه باقی مانده نشان دهیم که به هدف هایمان پای بندیم و مانع و اشکال در جای دیگر است و نه در اصلاح طلبان، می توان امیدوار بود که مردم با صندوق های رأی آشتی کنند.

برآستی کودنی زیادی می طلبد تا علت عدم مشارکت و نارضایتی مردم را به قهرخانودگی و فقدان آگاهی نسبت به موانع موجود منتسب کرد. اصلاح طلبان پس از شوک انتخابات شوراهای، این سوال آزار دهنده را در برابر خود قرار دادند که چرا مردم به تحریم انتخاباتی که به قول خود اصلاح طلبان از "آزادترین انتخابات جمهوری اسلامی" بشمار می رفت و بدور از نظارت استصوابی شورای نگهبان هم برگزار می شد مبادرت کردند. اما تاکنون نتوانسته اند پاسخ روشنی برای آن بیابند. بی تردید علت نیافتن پاسخ، در غامض بودن این سوال نیست. بلکه گیر اصلی آنست که اگر اصلاح طلبان اعتراف کنند که منشأ آن رویکرد قبل از هر چیز ریشه در عبور مردم از کلیت نظام دارد و نه صرفاً در اعتراض به رفتار این یا آن جناح، در آن صورت مبنای وجودی خود را از دست داده و باید فاتحه تمامی "راهبردها و تاکتیک های" خود را بخوانند و دکان خویش را تخته نمایند.

بهباد نبوی که هم واژه در لحظات بحرانی سعی می کند، با انکار واقعیت و حذف صورت مسأله، به روحیه ترابی پرداخته و در نقش پدر بزرگان محافظه کار ظاهر شود، در فراز دیگری از سخنانش می گوید به دوستان اصلاح طلب می گویم که عدم مشارکت مردم را تبلیغ نکنند! بزعم وی محافظه کاران و اپوزیسیون خارج از کشور متحداً فضایی ایجاد کردند که خود ماهم متقاعد شدیم که اولاً در انتخابات شرکت نکنیم و دوماً در انتخابات شکست خواهیم خورد!.

این که خود وی و شماری از نزدیک ترین یاران وی مدام تکرار می کنند که در انتظار معجزه ای برای مشارکت مردم بسر می برند (و باین ترتیب اعلام می دارند که امیدی به مشارکت مردم مگر در شرایط وقوع معجزه- در انتخابات ندارند) نشان می دهد که حتی خود این حضرات نیز علیرغم نسخه پیچی این حکیم باشی نمی توانند واقعیت رویکرد مردم را انکار کنند.

شمس الواعظین که هم واژه سعی می کند سه دوزه بازی کند، یعنی یک پایش را در بساط رفسنجانی به نهد و پای دومش را در میان اصلاح طلبان دولتی و در عین حال از طریق پای سومش سعی نماید که از مواهب حیثیتی جایگاه غیر دولتی بودن هم بهره گیرد، در این وانفسای انزوی روز افزون اصلاح طلبان راهی آسان برای جمع آوری بدنه اجتماعی پراکنده و گریزان یافته است. او با تمسک به فضای مجازی "اسلام دمکراتیک و

حامی خود و "آشتی دادن مردم با صندوق های رأی" بکار گرفته است. بعنوان بخشی از اندام نظام حاکم، بابره جونی از فشارهای بین المللی و بقصد نجات جمهوری اسلامی از باتلاقی که در حال فرورفتن در آن است، جبهه مزبور حتی در سودای به عقب راندن بقول خود آن اقلیت افراطی است که نظام اسلامی را از درون به گروگان گرفته و مصادره کرده است. بی تردید این احساس هم پیوندی با نظام جمهوری اسلامی و احساس وظیفه نجات آن، که در کنگره اخیر تحت عنوان تاکید و صراحت دادن به مبنای هویتی از آن یاد شده است، با شکل گیری صف آرانی شفاف و روشن اکثریت عظیم مردم در برابر نظام حاکم بی ارتباط نیست. و هرچه که این صف آرانی مستقل تر و نیرومندتر می شود، هسته اصلی اصلاح طلبان احساس هم پیوندی بیشتری با کلیت نظام پیدامی کند. اصرار بر شرکت در انتخابات هفتم مجلس شورای اسلامی برغم وقوف به رویکرد منفی مردم، خود نمونه گویایی از این احساس رو به تزاید هم پیوندی است. سرمقاله یاس نو- ارگان عملی جبهه مشارکت- در یکی از شماره های اخیر خود می نویسد که در میان اصلاح طلبان شقوق شرکت با عدم شرکت اساساً منفی بوده و بحث ها و مشاجرات حداکثر حول شرکت فعال و شرکت غیر فعال دور می زند.

کابوس تحریم انتخابات

باین همه باید اضافه کرد که آن چه برای این جریان بصورت کابوسی درآمده، خطر تکرار تحریم انتخابات شوراهای و صغیر کشیده ای است که ممکن است از سوی مردم بصورت وی و کلیت نظام نواخته شود و انزوا و فروپاشی آن را شتاب بخشد. پدیده ای که در شرایط کنونی می تواند پژواک جهانی نیرومندی پیدا کند. بزعم اصلاح طلبان پی آمد چنین "قهر ملی" او رویگردانی سراسری در انتخابات هفتم، استقلال و تمامیت ارضی کشور را مورد تهدید قرار می دهد (سخنان مزروعی). با نزدیک تر شدن هرچه بیشتر به زمان برگزاری انتخابات، جبهه مشارکت و مؤتلفان وی خود را در وضعیتی می یابند که علیرغم روی گردانی مردم، چاره ای جز گزینه شرکت در انتخابات با همه ریسکش و علیرغم آن که بسیاری آن را به منزله نوعی انتحار سیاسی می دانند، ندارد. و بهمین منظور اکنون مدتی است که کاربدستان این حزب با تشکیل جلسات مشترکی با دانشجویان، زنان، روزنامه نگاران و برخی فعالان سیاسی هم سو، تمامی تلاش خود را بکار گرفته اند تا آنان را به شرکت در انتخابات (یعنی مشارکت هرچه بیشتر در انتحار سیاسی جبهه مشارکت) ترغیب کرده و از تکرار وضعیت شوکه کننده انتخابات شوراهای اسلامی جلوگیری بعمل آورند.

همان طور که سعید حجاریان گفته است آن ها باید مرده را زنده کنند و این البته کاری است که از عهده پیامبران برمی آید. باعتراف خود آنان، تنها یک معجزه می تواند مردم را به پای صندوق های رأی بکشاند. بنابراین در انتظار معجزه نشسته اند. دوپینگ سیاسی، پهن کردن بساط مارگری، بافتن "اوراد و یاوه های سحر آمیز" برای کشتادن لااقل درصدی از مردم به پای صندوق های رأی، در عین امید بستن به کرامات و گشاده دستی شورای نگهبان برای عبور دادن پاره ای از کاندیداهای آنان از تور نظارت استصوابی، دخیل بستن به گشایشی از قیل فشارهای بین المللی، کنار گذاشته شدن "قهر و امتناع گرانی" از سوی بخش هایی از مردم، از جمله مواردی هستند که آن ها برای وقوع معجزه به آن ها دخیل بسته اند.

ادامه از صفحه 4 **وقتی اصلاح طلبان**

که نیروهای مردم و سرگردان اگر که بدان نه پیوندند، راهی جز فرورفتن در باتلاقی که جمهوری اسلامی بدان سو رهسپار است ندارند.

کابوس انقلاب و تلاش برای منجمد کردن روند شکل گیری صف مستقل دموکراسی

مدافعان نظام حاکم و ارجله اصلاح طلبان کنونی گرچه خود سوار بمرج انقلاب و مسخ آن به قدرت رسیده اند، اما درست بهمین دلیل بزرگترین دشمن انقلاب بوده و مروج اصلاحات میلی متری و لو آنکه هفتاد سال طول بکشد هستند. بهزادنبوی می گوید عدم شرکت در انتخابات به معنی شکست حرکت اصلاحی در چهارچوب قانون است و راه را برای انقلاب بازمی کند. بهمین دلیل می گوید اگر شرکت نکنیم چه کنیم؟

اصلاح طلبان اکنون با زبانی بیش از همیشه صریح تر نه فقط در برابر انقلاب ظاهرا به بهانه نفی خشونت، اما در واقع بخاطر ترس از مطرح شدن خواست های بزرگ و رادیکال- ایستاده اند، بلکه حتی بطور رسمی در برابر "اصلاحات" به دلیل آن که می تواند گشاینده راه انقلاب باشد، نیز سنگر گرفته اند. بهمین دلیل چه درکنگره اخیر خود و چه در سخنان و گفته هایشان، آشکارا شروع به تخطئه هر نوع "شعارهای انحرافی" نظیر تغییر و یا حتی اصلاح قانون اساسی، تغییر ساختار نهادهای انتصابی، رفراندوم، خروج از حاکمیت، تحریم انتخابات و... نموده اند. دغدغه حفظ نظام اکنون مهم ترین شعار آن ها را تشکیل می دهد. جان کلام را در این زمینه جلالی پور بیان داشته است:

او می گوید در کشور ما به عنوان یک کشور جهان سومی اصلاح قانون اساسی یعنی انقلاب. بزعم وی- که البته برپایه شواهد و قراین متعددی می توان دریافت که نظر بحث شده و اجماعی اکثر سردمداران جبهه مشارکت بشمار می رود. در قانون اساسی ما تعارضات زیادی وجود دارد که ایجاد تغییر و اصلاحات در آن پیامدهای سنگینی دارد! بنابراین برای آنکه بمب جمهوری اسلامی منفجر نشود، اصلا و ابدا نباید به آن نزدیک شد. جلالی پور روش های تغییر قانون اساسی را انقلاب، توسل به نیروهای خارجی و سازوکار خود قانون اساسی ذکر می کند که توسل به هر کدام از این روش ها مخاطره آمیز بوده و مستلزم هزینه های سنگین است. بنابراین اکنون بهترین شعار اصلاحی آنست که اصلاحات بی اصلاحات! شعار اصلاحات مردم، بخش مهمی از واقعیت سیاسی اکنون جامعه ایران را تشکیل می دهد، بطوری که حتی اصلاح طلبان نیز ناچارند بشیوه خود بدان اذعان نمایند. این که گفته می شود کنگره اخیر جبهه مشارکت در عین حال تلاشی بود برای جمع کردن پرونده دوم خرداد، حرف پرتی نیست. اکنون مهم ترین هدف اصلاح طلبان را، منجمد کردن راه سوم، که می تواند در بحبوحه تحریم انتخاباتی حضور شگرف خود را بطور غافلگیرانه اعلام کند، یعنی مقابله با شکل گیری یک صف مستقل و گسترده مدافع جمهوری و دموکراسی و عدالت اجتماعی تشکیل می دهد. و این در لحظات کنونی بهترین خدمت به نظام سرتا پا بحرانی است که آنان کمر به انجام آن بسته اند.

6آذر 82 برابر 27 نوامبر 2003

تفسیر دمکراتیک از اسلام" که در پی جایزه نوبل و مواضع اخیرا صراحت یافته جبهه مشارکت در کنگره پنجم ساخته و پرداخته شده است، به وضع واژه نوظهور "اسلام اجتماعی" پرداخته و آن را ابزار سیاسی و برنامه ای مناسبی برای جمع آوری مجدد نیروهای پراکنده جامعه مدنی یافته و جبهه مشارکت را نیز به عنوان تنها تشکیلاتی که قادر بانجام آن است معرفی می کند!

مضحک تر از آن، یوازه هایی است که محسن کدیور بعنوان یک روحانی و نظریه پرداز اصلاح طلب بر زبان رانده است. او که زمانی خواهان استعفاي خاتمی از قدرت شده بود اکنون کاسه داغ تر از آتش شده و می گوید حتی اگر شروط حداقل هم برای شرکت در انتخابات حاصل نشود، اصلاح طلبان نباید از شرکت در قدرت و انتخابات طفره بروند. باین ترتیب شعار او شرکت بی قید و شرط در انتخابات است. او برای رقیق نشان دادن غلظت ابتدال سیاسی که دچارش شده است، یک نقشه و تقسیم کار ماکیاویستی و بغایت فرصت طلبانه ای را ارائه می دهد که مطابق آن بخشی از اصلاح طلبان در قدرت شرکت می کنند و بخشی دیگر در ساخت جامعه مدنی و اصلاح زیرساخت ها مشغول می شوند و باین ترتیب هم از توبره می خورند و هم از آخور. یعنی هم بدنه اجتماعی را دارند (بخوانید کنترل می کنند) و هم دستی در قدرت دارند. از این رو در سخنان مشعشعانه ای می گوید که نباید از اصلاح طلبان انتظار واحدی داشت و بر همین اساس حزب مشارکت باید کماکان در چهارچوب قدرت فعال باشد و خردمندانه ترین کار آن شرکت در انتخابات است. او در عین حال با وقوف کامل به رانت ناشی از پیوند با قدرت، می گوید هیچ حزبی بدون شرکت در انتخابات و شرکت در قدرت توان ادامه حیات و امکان بقا نخواهد داشت! گرچه حزب مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی- همان گونه که محسن آرمین در واکنش سریع به سخنان او ابراز داشت- حاضر نیست به تنهایی و بدون شرکاء سیاسی خود به ته چاهی که ریسماش دست جناح حاکم است برود، اما این به معنای بی اعتنائی به اندیشه محسن کدیور توسط پاپور دیگری از جبهه مشارکت- نعیمی پور مدیرمسئول یاس نو و رئیس فراکسیون جبهه مشارکت- نیست. او می گوید که ساختار نظام بسیار دولتی تر از آنست که کسی بدون انتصاب به حاکمیت بتواند کاری از پیش ببرد. مطابق این بافته معلوم می شود که در کشور ما شکل مؤثر مبارزه با استبداد و برقراری مردم سالاری، از خلال به آغوش گرفتن استبداد و از طریق حضور در حاکمیت می گذرد!

دامنه هذیان پراکنی های بر آمده از اپیدمی "تب اسلام دمکراتیک"، از محدوده حلقه فوق فراتر رفته و به دایره کسانی چون علوی تیار که تا گذشته ای نه چندان دور تلاش می کرد با ارائه "خرده گفتمانی" نقش لولای اتصال بین اصلاح طلبان حکومتی و بیرون حکومتی و نیز اصلاح طلبان درون کشور با بیرون کشور را بازی کند، نیز سرایت کرده است. چنان که وی در یک عقب گرد آشکار نسبت به نظرات قبلی خود، مصوبات کنگره اخیر جبهه مشارکت را راهبردی بسیار راه گشا و قابل تأمل در فضای فعلی کشور دانسته و از مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی بعنوان هسته اصلی اصلاح طلبان پیشرو سخن به میان آورده است. نبوغ تاکتیکی او در این جمله طلانی به اوج خود می رسد: من بدنبال جمهوری اسلامی منهای ولایت فقیه هستم!!

جمهوری اسلامی با یا بدون ولایت فقیه ارزانی وی و هم نظرانش باد. اما باید گفت که رویکرد تازه او چیزی جز بیان شکست خرده گفتمان وی در بستر روند دوقطبی شدن جامعه حول نفی نظام کنونی از یک سو و مبارزه برای برقراری یک نظام دمکراتیک و مردم سالار از سوی دیگر نیست. و این خود حکایت از روند بلوغ بابی قطب مستقل دمکراسی می کند

* * * * *

مبارزه کارگران و کارکنان پتروشیمی ادامه دارد!

علی دماوندی

بیش از یکماه از آغاز مبارزات دلیرانه کارکنان صنایع پتروشیمی در اراک، اصفهان، آبادان و خارک می گذرد. فضای اعتراض و مبارزه در میان کارکنان این صنایع و صنعت نفت اینک بار دیگر شدت گرفته است و این مبارزه انعکاس وسیعی در میان کارگران ایران داشته است.

اعلام خصوصی کردن واحدهای پتروشیمی توسط رئیس شرکت پتروشیمی ایران و اعلام سلب مسئولیت شرکت پتروشیمی از خود در قبال کارگران و کارکنان این صنایع موجی از اعتراض و خشم را در میان کارکنان واحدهای خصوصی شده برانگیخته است. کارگران این صنایع با دست زدن به تظاهرات، تحصن، اجتماع در آمفی تاتر و محل کارخانه و اشکال اعتراض دیگر به مخالفت و مقابله با اقدام حکومت اسلامی برخاسته اند.

خصوصی کردن صنایع پتروشیمی، در راستای سیاست عمومی دولت اسلامی در جهت بااصطلاح اصلاح ساختار صنعت نفت است؛ که از سال 77 به اجرا در آمده است. از آنزمان تا کنون، مقامات حکومتی، در تلاش اخراج و بیکار سازی بیش از چهل هزار نفر از کارکنان صنایع نفت و پتروشیمی کشور هستند. این سیاست علاوه بر زیانها و آسیب های فراوان اجتماعی که باعث اخراج و بیکاری و خانه خرابی بیش از 2 میلیون کارگر صنایع کشور شده، باعث تخریب زیر ساخت های اقتصادی کشور و حراج و تاراج ثروت ملی ایران شده است. حراجی در خدمت اقلیتی بسیار ناچیز از روحانیون و آقا زاده ها و سرمایه داران وابسته به دستگاه حکومتی.

بی دلیل نیست که اینک مبارزه کارکنان صنایع پتروشیمی ایران در آبادان، اراک، اصفهان و خارک، به مبارزه ای بسیار حساس و مهم در زنجیره مبارزات طبقه کارگر ایران تبدیل شده است.

مبارزه ای که می بایست سیاست ضد انسانی حکومت اسلامی را در حراج و تاراج منابع ملی کشور، سیاست اخراج و باز خرید کارگران و مزد بگیران ایران و سیاست تحمیل هزینه بحران بر دوش میلیونها کارگر و مزد بگیر کشور در هم شکند. مبارزه کارگران و کارکنان صنایع پتروشیمی، سر مشقی است برای همه کارگران و مزد بگیران ایران و نمونه ای است برای تکرار آن در تمام کشور؛ نمونه ای که باید باهماهنگی و اتحاد همه کارگران و مزدبگیران از آن آموخت و به تکرار روزانه آن پرداخت تا این رژیم ضد کارگری و سیاستهای ضد مردمی اش را در هم شکست.

به این ترتیب مروری می کنیم بر اعتراضاتی که کارگران پتروشیمی برای در هم شکستن سیاست خصوصی سازی آغاز کرده اند.

- نامه غلامرضا نعمت زاده مدیر عامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی، مبنی بر واگذاری صنایع پتروشیمی به بخش خصوصی

انتشار یافت و در بورس سهام صنایع پتروشیمی اراک، اصفهان و خارک به فروش رسید.

- روز پنجم آبانماه کارکنان پتروشیمی اراک دست از کار کشیده و چندین تجمع اعتراضی بر پا کردند. کارگران اعلام کردند که خواهان لغو تصمیم مدیریت صنایع پتروشیمی هستند و تهدید کردند که اگر به خواسته هایشان رسیدگی نشود، جاده اصلی کنار پتروشیمی را خواهند بست. آنان با شعار اینکه **"ماشین نیستیم که به همراه کارخانه فروخته شویم"**

چهره ضد انسانی سیاست خصوصی سازی را آشکار کردند.

- دو روز بعد، روز هفتم آبانماه مهندس بخشیان معاون اداری پتروشیمی جمهوری اسلامی به اراک رفت تا کارگران را از ادامه اعتراض باز دارد و آنان را به بازگشت به کار راضی کند. اما کارگران پتروشیمی خواهان لغو رسمی تصمیم مدیریت صنایع پتروشیمی شدند. در همین روز کارگران پتروشیمی اصفهان و خارک نیز به کارگران اراکی پیوستند و اعتراض جنبه سراسری تر بخود گرفت.

- در دهم آبانماه کارگران پتروشیمی اصفهان با دست زدن به اعتصاب و تجمع در کارخانه، 48 ساعت به مسنولان فرصت دادند تا به خواسته های آنان پاسخ دهد. در همین روز کارگران پتروشیمی اراک نیز اعتصاب کردند و در سالن آمفی تاتر این شرکت تجمع کردند.

- روز سه شنبه سازمان پتروشیمی دست به عقب نشینی آشکاری در مقابل کارگران زد و بخشیان طی نامه ای اعلام کرد که کارکنان پتروشیمی به بخش خصوصی منتقل نخواهند شد و کارگران برای انتقال، یا باز خرید یا ادامه خدمت در وزارت نفت مجاز هستند. اما کارگران به این عقب نشینی راضی نشدند و خواهان لغو رسمی تصمیم دولتی مبنی بر انتقال کارکنان به بخش خصوصی و عدم مسئولیت شرکت پتروشیمی شدند.

- روز چهارشنبه یکی از نمایندگان مجلس اسلامی در جمع کارگران و کارکنان پتروشیمی اصفهان حاضر شد و اعلام کرد که وزیر نفت و معاون او قرارداد استخدامی بین کارکنان وزارت نفت را یکطرفه نقض کرده اند و این غیر قانونی است و قول داد که از طریق مکاتبه مجلس و وزارت نفت، مسئله را پیگیری کند. این در حالی بود که کارگران اراکی نیز با تجمعی صدها نفره در آمفی تاتر این شرکت، بار دیگر بر خواست خود مبنی بر ماندن در شرکت نفت و استخدام آن تأکید کرده و خواهان لغو تصمیم دولت اسلامی شدند؛ کارگران تأکید کردند که به مبارزه خود ادامه خواهند داد.

- هفته بعد، بار دیگر کارگران در اصفهان و اراک و خارک دست به اعتصاب زدند. علیرغم پاسخ مدیریت شرکت در اراک، کارگران راضی نشده و در اعتراض به پیشنهاد مدیر عامل پتروشیمی اراک، مبنی بر مهلت 4 ماهه به کارکنان پتروشیمی خصوصی شده اراک برای انتقال به دیگر شرکتهای دولتی پتروشیمی، کارکنان پتروشیمی دست به انتخاب نمایندگان خود زدند. 20 نماینده کارکنان شرکت پتروشیمی اراک. قرار شد که با مقامات حکومتی در تهران، خواسته های کارگران را طرح نماید.

- روزهای 26 آبانماه و 28 آبانماه هزاران کارگر صنایع پتروشیمی بقیه در صفحه 7

علیه خصوصی سازی و برای پرداخت فوری و بی قید و شرط دستمزدها متحد شوید!

در اراک، اصفهان و خازک دست به اعتصاب و تجمع زدند و برای نشان دادن تصمیم قاطعانه خود بر ادامه مبارزه، به سمت درب ورودی کارخانه راه پیمایی کردند و قرار هفته بعد را برای ادامه اعتراض اعلام کردند.

روز 30 آبانماه هفتی از سوی کارگران پتروشیمی آبادان جهت پیگیری خواستههای کارکنان این صنایع به وزارت نفت در تهران اعزام شدند؛ تا اعتراض کارگران این شرکت را مبنی بر سلب مسئولیت وزارت نفت در قبال کارگران و کارکنان اعلام کنند. فردای همین روز گروهی از نمایندگان کارگران و کارکنان شرکتهای پتروشیمی آبادان، اصفهان، خازک و اراک به مجلس اسلامی رفتند و با تأکید بر خواستهها و مطالبات کارگران اعلام کردند که خواهان رسیدگی فوری به خواستههایشان هستند و به وزیر کشور و نمایندگان مجلس اسلامی اولتیماتوم دادند که در صورت عدم پاسخ مثبت به خواست کارگران، دست به اعتصابی سراسری و متحدانه خواهند زد.

روز سوم آذر ماه کارگران پتروشیمی اراک، بار دیگر در سالن آمفی تاتر تجمع کردند و نسبت به بی تفاوتی مسئولین حکومتی اعتراض کردند و اعلام کردند که از روز شنبه سه روز اعتصاب غذا خواهند کرد و روز سه شنبه، باز دیگر در سالن آمفی تاتر شرکت تجمع خواهند کرد.

به این ترتیب از روز شنبه اعتصاب غذای کارکنان پتروشیمی اراک برگزار شد. ظهر روز دو شنبه، بیش از هزار نفر از کارکنان پتروشیمی اراک با حضور در رستوران این مجتمع در اعتراض به بی توجهی به خواستههای خود از سوی مدیریت پتروشیمی و وزارت نفت، از گرفتن غذا خود داری کرده و غذای پتروشیمی را به بهزیستی اراک فرستادند.

کارکنان پتروشیمی با کوبیدن ظروف خالی به میز، اعتراض خود را ادامه دادند. گفته میشود که از سوی نیروهای امنیتی رژیم، به کارکنان هشدار داده شده بود که از استفاده از شیوه های دیگر اعتراض خود داری کنند و اعتراضات خود را به اعتصاب غذا منحصر کنند.

کارکنان پتروشیمی اراک به دنبال اعلام اعتصاب غذا به مدت سه روز در رستوران مجتمع، روحیه بسیار بالایی پیدا کرده اند و اکثریت بالاتفاق کارکنان در اعتصاب شرکت کرده اند، آنان با شرکت در تجمع روز سه شنبه، بار دیگر خواست کارگران ایران را فریاد زده اند: خصوص سازی موقوف، اخراج کارگران ممنوع، حق کار برای همه، افزایش دستمزدها متناسب با تورم، حق تشکل مستقل، حق اعتصاب، بیمه بیکاری مکفی برای همه کارگران و افراد آماده بکار.

به این ترتیب مبارزه کارگران و کارکنان پتروشیمی ادامه دارد و این مبارزه به سر مشقی برای همه کارگران و مزدبگیران ایران تبدیل می شود. تامبارزه ای هماهنگ، متحد و سراسری را علیه حکومت اسلامی و سرمایه داران به پیش برند و سیاست های ضد کارگری و ضد انسانی آنان را در هم شکنند. بدون در هم شکستن این سیاست بی تردید نمی توان حق کار و حق داشتن یک زندگی انسانی و با رفاه را برای فرزندان و خانواده های کارگری در کشور ما تأمین نمود. برای در هم شکستن این سیاست، کارکنان صنایع پتروشیمی و دیگر صنایع کشور را یاری کنیم.

سید کارگر بجان آمده کارخانه" نختاب فیروزان تبریز" برای چندمین روز متوالی در اداره کار و امور اجتماعی آذربایجان شرقی تجمع کرده و خواهان دریافت یکسال حقوق و مزایای پرداخت نشده خود شدند. کارگران کارخانه نختاب فیروزان، طی هفته های گذشته با برپایی تجمع در برابر فرمانداری و با آتش زدن لاستیک اتومبیل در برابر کارخانه، خواهان پاسخگویی مسئولان حکومتی شده بودند.

کارخانه نختاب فیروزان تبریز، بخاطر سیاست خصوصی سازی صنایع به بخش خصوصی واگذار شده است. مدیریت کارخانه از سال 79 به عهده هادی نیک خواه و طباطبایی است که این دو از طرف سهام داران کارخانه، که بانک ملی و بانک صنعت و معدن می باشند، تعیین شده اند. سیاست باصلاح تعدیل نیروی انسانی و تعدیل ساختار، باعث شده است که 70 نفر از کارگران، طبق قانون کار باز نشسته شده و 173 نفر دیگر از کارگران، در قالب طرح نوسازی در اختیار بیمه بیکاری قرار گیرند. اما اجرای این طرح که بسیار کند و با مشکلات بسیار برای کارگران همراه است؛ باعث بلاتکلیفی بسیاری از کارگران شده است.

علیرغم وامهای هنگفتی که مدیریت کارخانه دریافت کرده است؛ اما مدیریت کارخانه، بجای پرداخت بدهی های کارخانه و حقوق معوقه کارگران، اقدام به سرمایه گذاری در ثبت و تاسیس کارخانه جدیدی به نام " نیک بافت آذر" کرده و با این اقدام وام های دریافتی عملاً از دست رفته است. سیاست خصوصی سازی صنایع در ایران اسلامی، که از طریق رانتهای حکومتی و امتیازات ویژه به روحانیون و آقازاده ها و تجار وابسته به دستگاه ولایت و مدیران فاسد کارخانه های دولتی صورت می گیرد، شانس باد آورده ای برای صاحبان جدید کارخانه ها و اخراج کارگران میدهد. شناسی که فقره و تنگدستی و گرسنگی را نصیب هزاران خانواده کارگری و سودهای سریع میلیونی برای صاحبان جدید کارخانه به ارمغان می آورد. باید این سیاست ضد انسانی را در هم شکست. اینک تنها کارگران نختاب فیروزان تبریز نیستند که در معرض گرسنگی، فقر و تنگدستی و بیکاری اند؛ بیش از دو میلیون کارگر صنایع نساجی، قند و شکر، سیمان، ماشین سازی، صنعت نفت و پتروشیمی از این سیاست صدمه دیده و آسیب های فراوان دیده اند. برای در هم شکستن این سیاست بیکار سازی و خصوصی سازی راهی جز پیوند کارگران شاغل و بیکار، کارگران زن و مرد نیست. ایجاد تشکل های محلی کارگری، ایجاد تشکل های مستقل از دولت و ارگانهای حکومتی و مداخله تمام اعضای خانواده کارگری ایران و هماهنگ کردن مبارزات کارگران شاغل و کارگران بیکار، کارگران در معرض اخراج، کارگران تمام صنایع و تمام مزدبگیران ایران که در معرض این سیاست هستند؛ ضرورتی اساسی است.

سازمان ما، همه کارگران ایران را علیه سیاست خصوصی سازیها، علیه بیکار سازیها و برای ممنوعیت اخراج کارگران، برای پرداخت فوری و بی قید و شرط حقوق و دستمزد کارگران، افزایش دستمزدها متناسب با تورم، بیمه بیکاری مکفی برای همه بیکاران و افراد آماده بکار کشور و حق اعتصاب و تشکل مستقل کارگران و مزدبگیران ایران دعوت می کند. تنها با بر افراشتن پرچم مطالبات سراسری کارگران و هماهنگ کردن مبارزات، می توان این سیاست ضد انسانی را در هم شکست!

سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر

آکسیونها و فعالیتها در خارج از کشور

پاریس

به دعوت انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیده تی در ایران (فرانسه) تظاهراتی در روز شنبه 6 دسامبر از ساعت 19 تا 21 در میدان اودنون پاریس برگزار شد . سازماندهندگان این حرکت ، اهداف اصلی آکسیون مذکور را برگزاری روز دانشجو ، سالگرد قتلهای سیاسی زنجیره ای و روز جهانی حقوق بشر و نیز دفاع از دانشجویان و تمامی زندانیان سیاسی ایران اعلام کرده بودند .

فرانکفورت

کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران و زندانیان سیاسی (ماینس و فرانکفورت) قصد دارد در روز جمعه 12 دسامبر از ساعت هفت عصر، مراسمی را به مناسبت 55 مین سالگرد روز جهانی حقوق بشر ، پنجمین سالگرد قتلهای زنجیره ای و پنجاهمین سالروز 16 آذر روز دانشجو ، در شهر فرانکفورت آلمان برگزار کند . سخنرانان اصلی این همایش عبارتند از : خانم مریم مختاری (همسر زنده یاد محمد مختاری) - خانم ژاله وفا (از مجامع اسلامی ایرانیان و عضو تحریریه نشریه انقلاب اسلامی در تبعید) - آقای تقی روزبه (از کادرهای سازمان ما) و آقای کاظم کردوانی (عضو کانون نویسندگان ایران)

اسلو

به دعوت مشترک : کمیته اتحاد عمل برای دموکراسی در ایران ، جنبش همبستگی برای آزادی و دموکراسی - نروژ ، سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومه له) ، حزب توده و شماری از منفردین سیاسی و تشکلهای ایرانی دیگر ، قرار است همزمان با روز جهانی حقوق بشر ، آکسیونی در روز ده دسامبر در اسلو برگزار شود .

ونکوور

به مناسبت روز جهانی حقوق بشر ، مراسمی در روز شنبه 13 دسامبر در ونکوور کانادا برپا میشود که ابتکار سازماندهی آنرا : کمیته اتحاد عمل برای دموکراسی (متشکل از : سازمان ما ، اتحاد فدائیان خلق و حزب دموکرات کردستان ایران) ، سازمان ایرانیان غرب کانادا و جمعی از فعالین سیاسی مستقل ، بعهده دارند . در این مراسم موریس کاپیتورن (نماینده اسبق سازمان ملل در امور ایران) خانم مری ووسیم (از کمیسیون حقوق بشر استان بی سی) فریده خردمند (عضو کانون نویسندگان ایران) و تنی چند از فعالین اجتماعی شهر سخنرانی خواهند نمود و یک گروه موزیک کانادایی و یک گروه رقص کردی به هنرنمایی خواهند پرداخت .

شیکاگو

به دعوت یک کمیته اقدام مشترک و موقت بنام " مدافعین حقوق بشر در ایران - شیکاگو " قرار است در روز یکشنبه 14 دسامبر از ساعت یک بعدازظهر مراسمی در سالن کتابخانه عمومی اسکوکی (حومه شیکاگو) برگزار شود که در آن چهار نفر از فعالین سیاسی ، حقوق بشر را از زاویه حقوق کارگران ، حقوق زنان ، حقوق دانشجویان و غیره مورد بحث و بررسی قرار خواهند داد .

* مشابهی مراسمهای فوق ، قرار است در برخی دیگر از شهرهای محل سکونت ایرانیان خارج از کشور برگزار شود ، که از میان آنها میتوان به شهرهای تورنتو و برلین اشاره کرد .

رادیو برابری

رادیو برابری هر شب ساعت هشت و نیم بوقت ایران (شش عصر بوقت اروپای غربی) بر روی ماهواره با مشخصات زیر برنامه پخش می کند:

Satellite: Hotbird 613East
Freq.12597 GHz
Transponder: 94
Symbol Rate :27500
Fec:3/4
CHannel :GBTS Feed ½
Right side of dual audio channel

شما میتوانید برنامه های هر روز را بصورت ضبط شده از طریق شبکه جهانی اینترنت ، در آدرس زیر نیز گوش دهید:

www.radiobarabari.net

با ما ارتباط بگیرید

سر دبیر تک برگ arash@funtrivia.com
روابط عمومی سازمان public@rahekargar.net
تلفن عمومی سازمان 0049 -40 -6777819
شماره فاکس سازمان 00 33-1-43455804
آدرس سایت راه کارگر..... www.rahekargar.net
آدرس سایت اتحاد چپ کارگری... www.etehadchap.com
آدرس سایت رادیو برابری..... www.radiobarabari.net

آدرس صندوق پستی سازمان.

BP 195 75563Paris cedex 12 France